



امیرعلی ولی علاقه مندیش با من فرق می‌کنه، به فوتسال علاقه داره و تابستونش رو با فوتسال و شطرنج پر کرده.

حتماً می‌گین ای بابا همین قدر داداشید! نه، ما به هدف و آرزوی مشترک داریم. برای رسیدن بهش، تمام تابستون رو سعی کردیم روی بدن سازی و قوی تر شدن خودمون کار کنیم و الان هم که تابستون نیست، روزهای تعطیل به حیاط پر درخت بابابزرگ می‌ریم و تمرین می‌کنیم.



این من و این هم داداش امیرعلی که بهش افتخار می‌کنم. این لباس‌ها رو مامان بزرگ برامون خریده و ما هم ازش خیلی تشکر کردیم.

برای اینکه پلیس خیلی قوی و شجاعی باشیم و بتونیم از مردم در برابر خلاف‌کارا و آدم بدها محافظت کنیم، باید هم فرزند و چابک باشیم و هم قوی. من و داداشم همیشه دوچرخه سواری می‌کنیم تا سریع بودن رو تمرین کنیم.

*بازی دزد و پلیس خیلی جذابه. من و امیرعلی همیشه پلیس‌های حرفه‌ای هستیم. توی بازی هر وقت اشتباهی می‌کنم، اون به من با مهربانی توضیح می‌ده که چه کار درستی باید انجام بدم تا خلاف‌کار رو دستگیر کنم.



حالا بگین شما می‌خوان چه کاره بشین؟